

فلسفه آزمایش و ابتلا در قرآن و روایات و نقش سازندگی آن در تربیت انسان

چکیده

این پژوهش با هدف کنکاشی در فلسفه آزمایش و نقش سازنده آن در تربیت انسان با تأکید بر قرآن کریم و روایت‌های معصومین^(ع) صورت گرفته است. اسلام به تربیت همه جانبه انسان توجه دارد. در این میان امتحان الهی، سنتی جاری است که از طریق ابزارهایی تحقق می‌پذیرد. این سنت الهی، عملی و تکوینی است و آن عبارت است از سنت هدایت عامه الهیه، از آن جهت که با موجودات مکلف نظیر انسان و درجه ایمان او به خداوند ارتباط مستقیمی دارد. در این پژوهش نخست به تبیین مفهوم ابتلا، امتحان، فتنه و تمحیص پرداخته و سپس فلسفه و ابعاد امتحان و نقش سازنده آن در تربیت انسان بررسی شده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و قیاس نظری است. نتایج حاکی از آن است که امتحان‌های الهی نقش مهمی در ایجاد انگیزه و پیشرفت، ترفیع درجه، تطهیر گناهان و آگاهی و بیداری برای توبه و بازگشت به خداوند را در پی دارد.

دکتر اکبر صالحی

استاد یار گروه فلسفه تعلیم و تربیت،
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی،
دانشگاه خوارزمی، نویسنده مسئول
Salehijidji2@yahoo.com

کلیدواژه:

ابتلاء و امتحان، فلسفه آزمایش،
اسباب و ابزار آزمایش، آثار تربیتی،
قرآن و روایات

مقدمه

بحث امتحان و عجین بودن آن با زندگی انسان‌ها، موضوع تازه‌ای نیست و انسان‌ها در طی تاریخ زندگانی خودشان، دوره‌های سختی را گذارنده‌اند، اما هدف انسان‌های اولیه و برخی افراد ناآگاه از گیرودار با این امتحانات، جز ضجه یا ملامت خود نبوده است. بعضی از این بی‌توجهی‌ها به بلایا و شداید، آثار زیان‌باری بر زندگی و حتی حیات انسان‌ها داشته است. انسان‌های اولیه دلایل رنج و بیماری و بلایای طبیعی نظیر: زلزله و طوفان را به امور خرافی همچون: خشم خدایان و بت‌ها نسبت می‌دادند. با نزول قرآن کریم انسان‌هایی که به پیام وحی الهی و تعلیمات عالی پیامبر اکرم و اهل بیت^(ع) ایمان آورده و پیام‌های قرآنی را دریافت و تفسیر کردند برای این‌گونه سختی‌های طبیعی، جانی و مالی و موقعیت‌های اجتماعی، فلسفه قوی‌تری یافتند نسبت به آنچه گذشتگان قبل از نزول قرآن کریم به مواردی همچون: خرافه، بیماری و ... ربط می‌دادند. چنین امتحانات و سختی‌هایی در طول زندگی برخی را ناتوان و ناشرک و عده‌ای را توانمند و بر ایمانشان افزوده است.

بنابراین طبق قرآن کریم و روایت‌ها، سنت امتحان و ابتلا یک سنت جاری و با اسباب‌های گوناگونی در مراحل زندگی انسان‌ها به وقوع می‌پیوندد. «بدون ابتلا و امتحان نه جایگاه و مرتبه آدمیان مشخص شده و نه امکان تمیز و تفکیک آنان فراهم آمده و نه زمینه ظهور باطن‌ها و کمالات آماده می‌شود(دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۱). در هیچ نظام تربیتی تا فرد از آزمونی سربلند بیرون نیاید و قبولی کسب نکند، گواهی‌نامه‌ای به وی اعطا نمی‌گردد. بنابراین آنچه باعث ارتقای درجه می‌شود، شرکت و موفقیت در آزمون است.

از این رو آزمایش‌های الهی برای ارتقای درجه فرد و نیز ایجاد شرایطی برای پذیرفتن مسئولیت سنگینی است که خداوند از انسان صاحب اراده می‌خواهد. بنابراین باید به فلسفه و نقش تربیتی آن در سازندگی معنوی انسان توجه کرد. خداوند در قرآن کریم چه منظور و مفهومی از امتحان بشری دارد؟ فلسفه و اهداف این ابتلای الهی در قرآن و آموزه‌های دینی و روایی چیست؟ آزمایش‌های الهی چه نقشی در سازندگی و تربیت انسان‌ها دارد؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که در این مقاله پژوهشی با بررسی نمونه مصادیقی از کلام وحی و آموزه‌های روایی تلاش می‌شود تا پاسخی در حد توان به آن‌ها داده شود. امید است این نوشتار هر چند کوچک، مؤمنان واقعی و انسان‌های خفته را به این موضوع مهم آگاه سازد و زمینه بهره‌مندی صحیح از این سنت الهی را در جهت تقویت ایمان و اعتقاد به خداوند و روز واپسین سنجش اعمال و در زندگی دنیوی فراهم کند. به همین منظور در مقاله حاضر نخست مفاهیم مرتبط با ابتلا در قرآن کریم تبیین مفهومی خواهند شد. سپس فلسفه و اهداف آزمایش‌های الهی بیان شده و در بخش بعدی، ضمن ترسیم اسباب و ابزار آزمایش در قرآن و روایات به ویژگی‌ها و ابعاد آزمایش اشاره مختصری خواهد شد. در ادامه به استنباط نقش‌های سازنده آزمایش‌های الهی در تربیت انسان می‌پردازیم.

روش‌شناسی

این پژوهش، کیفی و از نوع توصیفی- تحلیلی (تحلیل محتوای کیفی) و استنباط قیاس نظری است. تحلیل محتوا عبارت است از شناخت و برجسته کردن محورهای اصلی یک متن یا متون مکتوب با هدف

فراهم آوردن تحلیلی توصیفی (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۸۲). همچنین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. بنابراین روش تحلیل محتوای کیفی، روشی برای جست‌وجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی است. همچنین یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲). چون محقق در این پژوهش با منابع مکتوب قرآن کریم و روایت‌های معصومین^(ع) و دسته‌بندی جملات و مضامین مرتبط با موضوع ابتلا و فلسفه آن سروکار دارد، از این روش پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی است. البته برای مفهوم شناسی ابتلا و امتحان از روش تفسیر مفهومی نیز استفاده شده است. از طرف دیگر چون محقق از تبیین فلسفه آزمایش و تحلیل مفهوم‌شناسی و اسباب آزمایش‌های الهی، در صدد استنباط کارکردهایی برای تربیت انسان و تعلیم و تربیت اسلامی است، از این روش برای دست‌یافتن به چنین کارکردهایی از روش قیاس نظری نیز استفاده می‌کند. رویکرد قیاس بر این فرض مبتنی است که در پرتو نظریه‌های کلی و انتزاعی معرفت‌شناسانه، متافیزیکی و اخلاقی و الهیاتی دیدگاه‌ها و مکاتب فلسفی، می‌توان رهنمودهای اساسی منطقی را در قالب آموزه‌های تربیتی استنباط و استخراج کرد (رهنما، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰).

تحلیل مفاهیم

در بررسی مضامین آیه‌های قرآن مفاهیمی وجود دارند که با موضوع آزمایش و امتحان در ارتباط هستند. در این بخش از مفهوم‌شناسی و تحلیل مفاهیم، به تحلیل و تفسیر و تبیین مفاهیمی خواهیم پرداخت که با امتحان الهی در آمیخته‌اند:

مفهوم ابتلا

کلمه «ابتلا» مصدر ثلاثی مزید است از باب افتعال از ریشه «بلا» (فرهنگ معاصر عربی- فارسی، ۱۳۹۲، ص ۷۵). این واژه و مشتقات آن در قرآن کریم ۳۷ بار در ضمن ۳۴ آیه به کار رفته است (موسوی نسب، ۱۳۸۵، ص ۳۰). ابتلا، از جمله واژگان سرآمد در قرآن کریم است و سایر مشتقات آن به یک معنی بر می‌گردد و جمع آن بلا یا است. «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ، وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ»؛ اما انسان هرگاه که پروردگارش او را آزمایش کند و اکرام نماید و نعمت بخشد، گوید: پروردگرم مرا گرامی داشت و اما هنگامی که او را آزمایش کند و روزی را بر او تنگ گیرد، گوید: پروردگرم مرا خوار کرد (فجر/ ۱۵-۱۶). از این آیات بر می‌آید که بلا و امتحان هم در نعمت است و هم در نعمت. «خداوند سبحان انسان را با سلامت امتحان می‌کند تا ببیند شاکر است و از این نعمت بهره می‌گیرد یا نه و گاهی او را به مرض می‌آزماید تا ببیند او صابر است یا نه (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۶۰).

راغب اصفهانی آورده است: «بلوه؛ او را آزمودم. مثل این است که از زیادی آزمایش خسته کردم و ابلت فلانا به این معناست که او را آزمودم و با آزمایش به او آگاهی دادم» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۲۴۶).

در اصطلاح قرآنی ابتلا، دگرگونی شرایط بندگان به اراده خدای تعالی و نتیجه مد نظر، کشف استعداد عبودیت و تقویت و ارتقای عبد در مسیر بندگی است. در این روند است که جوهره پنهان مردم آشکار و نیکوکاران شناخته و پلیدی بدسیرتان فاش می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۶).
معجم مقاییس اللغه دو ریشه با دو معنا برای ابتلا ذکر کرده است؛ اول: «بلو» به معنای فرسودگی و دگرگونی؛ دوم: «بلی» به معنای اختبار و امتحان (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۶۹).

مفهوم فتنه

واژه دیگری که از آیه‌های قرآن درباره مفهوم آزمایش و ابتلا و مفاهیم مرتبط با آن به دست می‌آید، فتنه است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد (عنکبوت / ۲). کلمه یفتنون از ریشه فتنه است. فتنه در اصل «به معنی داخل کردن طلا و نقره در آتش برای مشخص کردن عیار خوبی و بدی آن است» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۶۲۳).
علامه طباطبایی نیز در ذیل آیه شریفه و در تفسیر مفهوم فتنه می‌نویسد «کلمه فتنه به معنی آزمایش است» (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۴۷).

برخی دیگر (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۹: ۳۰۷) مفهومی معادل با مفاهیم مذکور برای فتنه در نظر می‌گیرند و اشاره می‌کند که معنای اصلی آن، سنجیدن است؛ مثل آزمودن طلا و نقره.

مفهوم امتحان

کلمه امتحان، امتحنه و سایر مشتقات آن در قرآن کریم در مواردی مشاهده می‌شود. شاید بتوان گفت واژه امتحان مضمون و معنی مشخصی برای بشر، دارد به ویژه برای متربی و معلم ملموس‌تر و نتایج مهم و سرنوشت‌سازی دارد. کلمه امتحان و سایر مشتقات آن را می‌توان برای مصداق در دو آیه شریفه زیر مشاهده کرد.

«وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ و چون پروردگار ابراهیم، وی را با صحنه‌هایی بیازمود و او به حد کامل آن امتحانات را انجام بداد، به وی گفت: من تو را امام خواهم کرد ابراهیم گفت: از ذریه‌ام نیز کسانی را به امامت برسان فرمود عهد من به ستمگران نمی‌رسد (بقره/ ۱۲۴).

«إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَتَّقُوا لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرٌ عَظِيمٌ»؛ آنان که نزد رسول خدا به صدای آرام و آهسته سخن گویند، آن‌ها هستند که در حقیقت خدا دل‌هایشان را برای تقوا آزموده است. ایشان آمرزش و اجر عظیم دارند ﴿حجرات/ ۳﴾.
واژه امتحان از باب افتعال و به معنای ابتلا و اختبار است. ریشه این کلمه از واژه «محن» به معنای

آزمایش است. کاربردش در مواردی است که بخواهند چیزی را بیازمایند. وقتی گفته می‌شود محنت‌الذهب به این معناست که طلا را در آتش گذاختم و با جدا کردن شائبه‌ها آن را خالص کردم. امتحان دانشجو و دانش‌آموز نیز به همین معناست (ابن منظور، بی تا، ج ۱۳، ص ۴۲).

مشتقات این واژه در قرآن کریم دو مرتبه آمده است: الف) «امتنحن» از ماده امتحان در اصل به معنای آیه ۳ که با واژه «امتنحن» و «فامتحوهن» استعمال شده است. «امتنحن» از ماده امتحان در اصل به معنای ذوب کردن طلا و گرفتن ناخالصی‌اش است و گاه به معنی گستردن چرم نیز آمده، ولی بعداً در معنای آزمایش به کار رفته است؛ مانند آیه ۳ حجرات، آزمایشی که نتیجه آن خلوص قلب و گستردگی آن برای پذیرش تقواست (کیلانی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۶-۲۴۰).

مفهوم تمحیص

از دیگر مفاهیمی که از آیات قرآن کریم می‌توان استخراج کرد مفهوم تمحیص است که از نظر مفهومی به واژه‌های ابتلا، امتحان و آزمایش کاملاً مرتبط است. کلمه محص به معنای خالص و پاک کردن است؛ یعنی در نتیجه آزمایش، انسان از آلودگی‌ها پاک می‌شود و خداوند از طریق ابتلا ایمان انسان‌ها را از نظر قلبی از هر ناخالصی پاک می‌کند.

برخی مفسران می‌نویسند «تمحیص از ریشه محص و به معنی خالص کردن چیزی از آمیختگی‌ها و ناخالصی‌هایی است که از بیرون بدان داخل شده است. خاصیت خالص‌سازی در انسان معلوم کردن ایمان مومنان برای جداسازی آن از غیر ایشان است؛ همچنین خالص کردن ایمان از ناخالصی‌های کفر و نفاق و فسق است. خداوند اجزای کفر و نفاق و فسق را کم‌کم از مومن می‌زاید تا جز ایمانش چیزی باقی نماند و ایمانش خالص برای خدا باشد (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۴۳).

برخی دیگر از صاحب‌نظران و لغت‌شناسان واژه محص را به معنای خالص کردن و برطرف کردن نمودن عیب از یک چیز و همانند تزکیه و تطهیر معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۷۶۱).

کلمه محص و تمحیص و ارتباط آن با نتیجه آزمایش را به خوبی می‌توان از مفهوم آیه شریفه زیر دریافت کرد:

«وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»؛ و تا آن‌که اهل ایمان را از هر عیب پاک کند و کافران را نابود گرداند (آل عمران / ۱۴۱).

انسان‌ها باید در ایمانی که به خدا دارند یا ایمانی که آوردند، این ایمان در دلشان استوار و خالص شود؛ به همین دلیل بیشتر مفسران برای مفهوم محص و تمحیص خاصیت تهذیب و تطهیر قائل هستند. در مفهوم فتنه نیز همین پاکیزگی از نظر گذشت.

فلسفه و اهداف آزمایش‌های الهی

حال پرسش اصلی این است که ضرورت، هدف و فلسفه چنین امتحاناتی برای خداوند که خود عالم غیب و شهادت است چه معنا دارد و چرا چنین می‌کند؟ آیا خداوند بر امور آگاه نیست؟ در پاسخ به فلسفه چنین آزمایش‌هایی، در نگاه نخست دو جواب به ذهن خطور می‌کند: ۱. هدف و فلسفه امتحان،

شناختن است. به وسیله امتحان، مجهولات بشر برای امتحان‌کننده شناخته می‌شود. اگر چنین باشد علم خداوندی که کمال محض و عالم غیب و شهادت است جای سوال است. باید اذعان کرد چنین چیزی هرگز امکان ندارد و در آیات قرآن، خداند خود را عالم غیب و شهادت و دانا و حکیم و خبیر معرفی می‌کند. بنابراین چگونه امکان دارد کسی که خود دانا و خالق و مملوک دو جهان است و انسان را خلق کرده و بر پنهانی‌های او عالم است، ناآگاه باشد. در این زمینه شواهد قرآنی چنین حکم می‌کند که هیچ چیزی برای خدا پنهان نیست: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (آل عمران/ ۵)؛ هیچ چیز در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی‌ماند. بنابراین پاسخ سؤال اول مشخص است. که آزمایش خداوند همانند امتحان معلمی نیست که بخواهد به مجهولات شاگردان خود پی‌ببرد.

شهید مطهری در همین باره می‌نویسد: گاهی امتحان و آزمایش برای شناختن است، به این معنی که شخص امتحان‌کننده وقتی می‌خواهد مجهولی را تبدیل به معلوم کند، آن را آزمایش می‌کند. مثلاً مواد غذایی را به آزمایشگاه می‌برند برای این که ببینند سالم است یا نه. این امتحانی است که هدف امتحان‌کننده از آن این است که می‌خواهد حقیقتی را کشف کند. در مورد خداوند نسبت به بندگان چنین امتحانی معنی ندارد (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۴۹).

پرسش دیگر درباره فلسفه امتحان و ضرورت آن، این است که ممکن است هدف و فلسفه امتحان نوعی ایجاد آگاهی در انسان و امتحان‌شونده باشد، یا به نوعی اتمام حجت است یا اعطای درجه مردودی یا قبولی در آن امتحان که در هر صورت به نفع امتحان‌شونده و برای رشد او لازم و ضروری است. آیا چنین فلسفه‌ای را می‌توان برای آزمایش‌های الهی در نظر داشت؟

در این باره می‌توان گفت خداوند از خلقت انسان هدفی دارد که مهم‌ترین آن در این دنیا، رشد و به کمال رساندن موجود انسانی است. شهید مطهری می‌نویسد: گاهی آزمایش برای اتمام حجت است؛ یعنی برای این است که به خود امتحان‌شونده امری را ثابت کند. امتحان به این مفهوم در مورد خدای متعال معنی دارد. ممکن است خدای متعال بنده‌ای را مورد امتحان قرار بدهد برای این که حجت بر آن بنده تمام شود. گاهی امتحان برای تمرین امتحان‌شونده است؛ یعنی خداوند متعال - که البته در مورد غیر خداوند متعال هم صدق می‌کند - انسان را مورد آزمایش قرار می‌دهد برای این که در طی آن آزمایش استعدادهای درونی او به فعلیت برسد. مثل آدمی که خودش یا دیگری را به آب می‌اندازد برای این که شنا یاد بگیرد. این نوع امتحان، نوعی عمل و رفتار برای کمال یافتن است. بر اثر تلاش کردن در آب است که انسان شناگر می‌شود. امتحان‌های الهی برای این جهت است که انسان در خلال آن گرفتاری‌ها، کمال یابد (مطهری، ۱۳۷۷).

قرآن مجید به این حقیقت تصریح دارد: «وَلَيَبْلُغَنَّ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلَيُمَخِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»؛ او آنچه را شما در سینه دارید می‌آزماید تا دل‌های شما به طور کامل خالص گردد و او به همه اسرار درون شما آگاه است (آل عمران/ ۱۵۴).

تحلیل خصوصیات انسان در قرآن، به ویژه مسائلی که جنبه منفی انسان را بیان می‌کنند، در تبیین فلسفه وجودی آزمایش برای انسان، کمک‌کننده است. خداوند به واسطه ویژگی‌هایی که اگر ظهور و تجلی یابند غفلت به همراه دارند بشر را به حال خود وا نمی‌گذارد تا به کمال برسد. چنین ویژگی‌هایی عبارتند از:

غفلت: از حالاتی است که دامن‌گیر انسان می‌شود و نتیجه آن تن دادن به پستی‌ها و زشتی‌هاست. حالت غفلت، بی‌خبری از خداوند متعال و بی‌توجهی به هویت و نیازهای واقعی انسانی است. فرمود: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف / ۱۷۹).
 عذر تراشی: حالت دیگری که آدمی به مرور زمان با انجام اعمال زشت گرفتار آن می‌شود، عذر تراشی و توجیه‌آفرینی بر اعمال ناپسند است. فرمود: «بَلِ الْإِنسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ* وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ» (قیامت / ۱۴-۱۵).

طبع فزون طلبی و طغیان‌گری: انسان ذاتاً فزونی طلب است و در پرتو این ویژگی، تن به طغیان‌گری می‌دهد. «إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (عادیات / ۶-۷)؛ به درستی که انسان طغیان می‌کند، وقتی خود را بی‌نیاز دید.
 ناسپاسی: «إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (عادیات / ۶)؛ به درستی که انسان به پروردگارش ناسپاس است. به دلیل وجود چنین ویژگی در انسان فرمود: «وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ»؛ اندکی از بندگانش سپاس‌گزار هستند.

وجود نفس اماره: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» (یوسف / ۵۳)؛ نفس اماره ما را به سوی بدی هدایت می‌کند. ابتلا و امتحان لازمه رشد و کمال انسانی است و با زندگی انسان عجین شده. بر اساس همین دیدگاه می‌توان اهدافی را برای آزمایش‌های الهی در نظر گرفت:

- ظهور حقیقی ایمان افراد (عنکبوت / ۳)
- معیاری برای اعطای ثواب و پاداش. (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۹۴ / مخینه ۱۳۸۳)
- مشخص شدن عمل احسن (ملک / ۲)
- تمیز مومنان و مجاهدان و صابران (آل عمران / ۱۷۹)؛ (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۲، ۸۹۵).

اسباب و ابزار آزمایش‌های الهی

پس از مشخص شدن هدف آزمایش در قرآن و روایت‌ها، این پرسش مطرح می‌شود که خداوند با چه ابزارهایی انسان را مخاطب آزمایش قرار می‌دهد. نگاهی به مضامین آیه‌ها و روایت‌های معصومین^(ع) نشان‌گر وجود اسباب و ابزارهای فراوان در فرایند ابتلاست: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِمَّنِ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» (بقره / ۱۵۵)؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم.

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ»؛ آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید (ملک / ۲). انسان مومن از هر طریقی (مادی، معنوی، اهل و عیال خود و...) در دنیا آزمایش می‌شود. از این رو ابعاد آزمایش‌های الهی گسترده و تمام مراحل زندگی انسان را شامل می‌شود و با حیات انسان عجین شده است (میرباقری، ۱۳۷۸، ص ۸۲).

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» (انعام / ۱۶۵)؛ او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت و درجه‌های بعضی از شما را بالاتر

از برخی دیگر قرار داد تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید. کلمه (ما) در آخر آیه شامل همه نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود (به نقل از موسوی نسب، ۱۳۸۵).

وقتی سنت ابتلا و امتحان با حیات انسانی عجین شده باشد، او در هر مرتبه و هر مقامی در آزمایش است. بنابراین بیماری و سختی و مرگ همگی اسباب و ابزار آزمایش هستند. همچنین مقام و رتبه، عقل، زن و فرزند آن طوری که در آیات قرآن استنباط می‌گردد همگی می‌توانند ابزار و اسباب آزمایش انسان‌ها باشند. در روایتی از امام صادق^(ع) آمده است: ما من قبض ولا بسط وله فيه مشیئة وقضاء وابتلاء: هیچ قبض و بسطی نیست مگر آن که خداوند در آن مشیت و حکم و امتحانی دارد (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۲). امیرمؤمنان حضرت علی^(ع) نیز با بیانی شیوا در نهج‌البلاغه فرمود: خداوند روزی گسترده را با فقر و بیچارگی در آمیخت و تندرستی را با حوادث دردناک پیوند داد، دوران سرور را با اندوه نزدیک ساخت، امل و سرآمد زندگی را مشخص کرد و آن را گاهی طولانی و زمانی کوتاه قرار داد تا آزمایش شوید (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹).

بحث اسباب و ابزار امتحان و ابتلا بسیار گسترده است و پرداختن مفصل به آن در این جا امکان‌پذیر نیست، اما باید گفت که طبق مضامین قرآن کریم و آموزه‌های روایی، مواردی همچون: جنگ و جهاد (توبه/۱۲۶)، (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۷، ص ۱۸)، داوری در اختلافات بین مردم (توبه/۱۲۴)، جهاد بین کفر و ایمان (آل عمران/۱۴۳)، دنیا و زینت‌های آن (نهج‌البلاغه، نامه: ۵۵)، نفوس و جان (آل عمران/۱۸۶)، بقره (۱۵۵)، (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۵) و ... از جمله اسباب و ابزارهایی برای آزمایش انسان‌هاست. در آزمایش و ابتلا، جایگاه عقل انسان بسیار مهم است، چون پشتوانه محکمی برای تمیز ایمان از کفر است و عاملی برای هدایت انسان و نجات و رستگاری است: «وتلك الامثال نضربها لناس وما يعقلها الا الملمون.» در همین راستا روایاتی در کافی ذکر شده که می‌فرماید: «خدای عزوجل مومن را به هر بلایی و به هر مرگی بمیراند ولی به رفتن عقل‌اش مبتلا نکند. مگر ایوب^(ع) را نمی‌بینی که خداوند چگونه شیطان را بر مال، فرزند و همسر وی مسلط کرد ولی بر عقل‌اش مسلط نکرد تا با آن خدای را به یگانگی بپرستد (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۱).

ویژگی‌ها و ابعاد آزمایش

بر مبنای آموزه‌های قرآنی و روایی اسلام، چه ویژگی‌هایی را می‌توان برای آزمایش‌های الهی استنباط کرد؟ شناخت چنین ویژگی‌هایی در تبیین دقیق جایگاه ابتلا و امتحان و نقش سازندگی آن در تربیت اسلامی انسان‌ها، بسیار مهم است. برخی از این خصوصیات عبارتند از:

الف) گستردگی زمانی - مکانی

آزمایش الهی از نظر زمان و مکان، یک امر مقطعی و منطقه‌ای نیست که ویژه دوره خاصی باشد یا به منطقه و کشور خاصی محدود شود و ساکنان نقاط دیگر از قلمرو آزمایش الهی خارج شوند، بلکه آزمایش و امتحان از این نظر، همیشگی و جهان شمول است. تا روزی که دنیایی وجود دارد و در آن نوع بشر زندگی می‌کند، آزمایش الهی هم وجود دارد. ممکن است این پرسش مطرح شود که انسان‌های بی‌اعتقاد

چگونه از این آزمایش‌ها سر برون می‌برند؟ آیا آن‌ها هم در دایره آزمایش هستند یا نه؟ برای پاسخ به چنین سؤالی، توجه به مضامین آیات زیر ما را به این نکته رهنمون می‌کند که ایمان به خدای یکتا، لزوماً آزمایش‌هایی در پی دارد که مصداق آن در آیه زیر دیده می‌شود: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت/۱)؛ آیا مردم گمان کردند به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند؛ که بیان‌گر لازم و ملزوم بودن ایمان به خدای یکتا با آزمایش و ابتلاست. در کتاب تحف العقول روایتی از امام صادق^(ع) نقل شده است که می‌فرماید: «در هر بلا و سوگی که به فرزند و مالت رسید، شکبیا باش. زیرا همانا خداوند به وسیله آن، بخشش خود را گرفته تا صبر تو را بیازماید» (حرانی، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۷۹). بنابراین در نگاه اول به مضمون این آیات و روایات، ایمان آوردن مساوی با ابتلا و امتحان شدن و مخصوص مومنان است. در روایتی از بحار الانوار آمده است «البلاء زین المومن وکرامه لمن عقل لان فی مباشرته والصر علیہ واثبات عنده تصحیح نسبه الایمان؛ گرفتاری و بلا زینت مؤمن است و کرامت و بزرگواری است برای کسی که بیندیشد. زیرا ثابت قدم بودن و صبر در هنگام سختی و مصیبت، نشانه سلامت ایمان است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۷، ص ۲۳۱).

اما معنای آیه مذکور وقتی با معانی دیگر آیات بررسی می‌شوند دقیق‌تر و روشن‌تر تفسیر می‌شود: «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (عنکبوت/۳)؛ ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم. «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ (انسان/۲)؛ ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم. با توجه به معنای این آیات و آیه‌های دیگر و روایات و نیز بررسی سرگذشت پیشینیان در قرآن که بر اثر کفران نعمت گرفتار بلا شده‌اند و نعمت سختی بر آن‌ها فرا رسیده است، می‌توان نتیجه گرفت که ابتلا و امتحان سنت جاری الهی است و مربوط به مکان، شهر یا مردم خاصی نیست. با این وجود هنوز جای این پرسش است که مردم بی‌ایمان و بی‌اعتقاد چگونه با این استدلال گره می‌خورند؟ در پاسخ شاید بتوان گفت آگاهی نداشتن این‌گونه افراد است که آن‌ها را از چنین امتحانی غافل می‌کند. ما شاهد بلایایی هستیم همچون: سیل، زلزله، بیماری، باد و باران‌های تند که هر ساله خسارت‌های فراوانی بر ملت‌های جهان وارد می‌سازد که این‌ها همان آزمایش‌های الهی و بیدارکننده هستند که اندکی ممکن است درس عبرت بگیرند.

ب) تفاوت در سطوح دشواری ابتلا

از ویژگی‌های دیگری که می‌توان برای آزمایش‌های الهی استنباط و استخراج کرد، تفاوت آن در سطوح دشواری است. همه انسان‌ها در یک سطح نیستند، برخی از نظر ایمان ضعیف‌تر هستند و بعضی درجه یقین بالاتری دارند. این‌که خداوند چه ابزار و امتحانی را برای کدام قوم یا ملتی فراهم می‌سازد حکمتی الهی است که علم آن در نزد خداوند است، اما اگر بشر به خدا و روز رستاخیز ایمان داشته باشد تنها می‌تواند به هوش باشد و بداند در گردش ایام و حوادث روزگار خود را نبازد. خداوند می‌فرماید: «هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا» (احزاب/۱۱)؛ در آن جا مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند. این آیه اشاره به آزمایش مؤمنان در جنگ احزاب دارد. بنابراین سطوح دشواری آزمایش پیامبران با انسان‌های معمولی یک‌سان نیست. با توجه به بعضی آیات کریمه، انسان‌ها در معرض قانون آزمایش

الهی قرار دارند و هیچ فردی از نوع بشر از آزمایش الهی مستثنا نیست، اما برخی آزمایش مشکل‌تری دارند. این سطوح دشواری برای پیامبران در قرآن کریم فراوان هست: حضرت ابراهیم^(ع): «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ»؛ به خاطر بیاورید هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود (بقره/۱۲۴). حضرت سلیمان^(ع): «وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ»؛ ما سلیمان را آزمودیم. «قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي»؛ این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند (نمل/ ۴۰). حضرت موسی^(ع): «وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا»؛ و تو (موسی) را بارها آزمودیم» (طه/۴۰). بیان‌گر تفاوت در نوع آزمایش و سطح دشواری آن است. در اصول کافی در روایاتی به این ویژگی امتحان اشاره و نقل شده است: «سخت‌ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری به ترتیب عبارتند از پیامبران، کسانی که در پی آنان هستند و سپس کسی که از دیگران بهتر است (کلینی، ۱۳۶۸، ۱، ص ۱۵۱). یا می‌فرماید «مؤمن مانند کفه ترازو است؛ هر چه بر ایمانش بیفزاید، بر بلایش افزوده می‌شود» (همان).

ج) تنوع و برخورداری از مقطع زمانی

گسترده‌گی اسباب و عوامل آزمایش به حدی است که نمی‌توان آمار و حتی زمان مشخصی برای آن ذکر کرد، اما حتمیت، کثرت و قطعیت آزمایش و ابتلا، به ویژه با بالا رفتن درجه ایمان یا رواج کفر و نفاق و ناسپاسی در جامعه و در زندگی فردی ارتباط مستقیم دارد. یعنی خداوند در نقش مربی انسان مواظب تربیت او نیز هست. گاهی بلا می‌فرستد تا بیداری ایجاد شود و گاهی نعمت می‌فرستد تا درجه شکرگزاری یا ناسپاسی انسان متجلی شود و ایمان او خالص گردد. برای انسان مومن بلا و نعمت هر دو نسبی است؛ یعنی به همین میزان که بلا به او می‌رسد، صبر پیشه می‌کند و به همان مقدار که نعمت به وی می‌رسد، شاکر اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷). چنین آزمایشی برای حال انسان مؤمن، مفید است و راه رشد و کمال را در پی دارد.

برخی متفکران مسلمان می‌نویسند: «یک چیز نسبت به دو شخص وضع مختلفی می‌یابد، یعنی یک چیزی برای یک نفر نعمت است و همان چیز برای شخص دیگر نعمت، این است که می‌گوییم نعمت و بلا هر دو نسبی است (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۸۴). بنابراین نوع نگرش انسان به بلا و نعمت است که تعیین‌کننده نحوه برخورد وی با آزمایش الهی است.

زندگی انسان سرتاسر مملو از آزمایش است. کثرت و تنوع از ویژگی‌های مهم ابتلا و امتحان است. در سوره توبه خداوند می‌فرماید: «اولا یرون انهم یفتنون فی کل عام مرة او مرتین ثم لا یتوبون ولا یتذکرون»؛ آیا اهل نفاق نمی‌بینند که آنان در هر سال یک یا دو بار آزموده می‌شوند، باز هم توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند (توبه/ ۱۲۶).

علامه مجلسی می‌گوید: این که مراد از امتحان به سالی یک یا دو بار چیست و چگونه است، در روایت‌ها به بیماری تفسیر شده است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۷، ص ۱۸). از این رو می‌توان گفت ویژگی تنوع و کثرت متناسب با تحولات زندگی انسان است.

منظور از مقطعی بودن آزمایش و ابتلا، به عنوان یک ویژگی، این است که هر چند انسان در طول حیات زندگانی دائم آزمایش می‌شود (رتبه، مال، ثروت، بیماری، اولاد و مرگ همگی آزمایش هستند)، اما به

این معنا نیست که انسان همیشه در سختی باشد و نعمتی به وی نرسد یا زلزله و باد و باران هرگز قطع نشود، یا به گونه‌ای غرق نعمت شود که هرگز به یاد خداوند یا به فکر بازگشت نباشد. منظور ما در این جا تغییر نوع آزمایش است؛ یعنی خداوند با حکمت تامه خود وضع بنده را خوب می‌داند که چه امتحانی و تا چه زمانی برای امت یا فردی در زندگی فردی و جمعی کارساز و تربیت‌کننده است. نگاهی به تبیین سرگذشت قوم فرعون در مضمون آیه شریفه ۱۳۵-۱۳۶ سوره اعراف حکایت از مقطعی کردن آزمایش برای بیداری فرعونیان است که می‌فرماید: ما هنگامی که بلا را پس از مدت معینی که به آنان می‌رسید از آنها بر می‌داشتیم، پیمان خود را می‌شکستند، ما هم از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان کردیم، به جرم این که آیه‌های ما را تکذیب کردند و از آنها در غفلت بودند (اعراف/۱۳۵-۱۳۶).

بنابراین با توجه به طبیعت غفلت و ضعف وجودی انسان و نیز دقت و رحمت مربی‌گری خداوند و همچنین به هدف تحقق ساختن رحمانیت و رحیمیت بر بندگان و نیز برای این که انسان‌ها را به حد کمال خود برساند، می‌توان استنباط کرد که اولاً زمان آزمایش از قبل معلوم نیست؛ ثانیاً نوع آزمایش در بستر زمان با توجه به حکمت الهی و صلاح بنده و ایجاد خوف و رجا دگرگونی از سختی به آسانی یا تغییر موقعیت اجتماعی از شکلی به شکل دیگر است. بنابراین گفته می‌شود آزمایش‌های الهی از مدت زمان معینی برخوردارند، اما علم آن نزد خداوند است و بشر نمی‌تواند پیش‌بینی کند. مهم این است که انسان از این آزمایش سربلند بیرون بیاید.

نقش سازندگی امتحان الهی در تربیت انسان

ابتلا و امتحان چه آثاری بر سازندگی انسان‌ها دارد؟ نخست باید گفت انسان بدون پشت سر گذاشتن دشواری، هرگز به خوبی تربیت نمی‌شود. مشکلات زندگی، انسان را آبدیده می‌کند. چه بسا آورد تمدن بشری به سبب دشواری‌هایی بوده که در پی آنها انسان مجبور شده است اراده و عقل خود را برای فائق آمدن به این‌گونه سختی‌ها به کار بگیرد. شهید مطهری می‌نویسد: بنابراین سختی و گرفتاری، هم تربیت‌کننده فرد و هم بیدار کننده ملت‌هاست. سختی، بیدار سازنده و هوشیارکننده انسان‌های خفته و تحریک کننده عزم‌ها و اراده‌هاست. ششاید، همچون صیقلی که به آهن و فولاد می‌دهد، هر چه بیشتر با روان آدمی تماس گیرد، او را مصمم‌تر و فعال‌تر و برنده‌تر می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۱۱). سعدی که نامش برآمد به شیرین زبانی همه عمر تلخی کشیده است؛ به همین دلیل در روایت آمده است که اگر کسی بلا نبیند، گرفتار بدترین نوع عقوبت است، ولی متوجه نیست. زیرا اگر بلا می‌دید، بیدار می‌شد. در قصص پیامبران آمده که مردی به شعیب پیامبر^(ع) گفت: چرا من این همه گناه می‌کنم و خداوند مرا عقوبت نمی‌کند. جواب آمد که تو گرفتار بدترین نوع عقوبت‌ها هستی و نمی‌دانی (همان). حضرت علی^(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال؛ در دگرگونی احوال جوهر مردان شناخته می‌شود (نهج البلاغه، دشتی، حکمت ۲۰۸). قرآن کریم خلقت انسان را با گرفتاری عجیب می‌داند و می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛ به راستی ما انسان را در رنج و مشقت آفریدیم (بلد/۴). این آیه و روایت‌های مشابه، گویای نقش مهم رنج در ساخته شدن انسان و تکامل اوست. امام علی^(ع) در نامه خود به عثمان بن حنیف برای این که راه بهانه جویی را ببندد، توضیح می‌دهد «ألا وإن الشجرة البرية أصلب عوداً،

و الروائع الخضره أرقّ جلوداً، و النباتات البدویه أقوى وقوداً و أبطأ خموداً؛ که شرایط ناهموار و تغذیه ساده از نیروی انسان می‌کاهد. درختان بیابانی که از مراقبت مرتب باغبان محروم‌اند، چوب محکم‌تر و دوام بیشتر دارند، بر عکس درختان باغستان‌ها که باغبان‌ها به آن‌ها رسیدگی کرده‌اند. نازک پوست‌تر و بی‌دوام‌تر هستند (نهج البلاغه، خطبه/ ۴۵۹). ابتلا با توجه به اهمیتی که در زندگی انسان‌ها دارند، نقش سازنده و مهمی در تربیت آن‌ها ایفا می‌کنند. برخی از این آثار تربیتی عبارتند از:

۱. ایجاد رقابت و انگیزه

در قرآن کریم خداوند بندگان را به پیشی گرفتن در کارهای خیر دعوت می‌کند. ابتلا چنین اثر تربیتی دارد: «... وَ لَکِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ؛ تا شما را در آنچه عطايتان کرده است بیازماید. پس به سوی نیکی‌ها سبقت گیرید که بازگشت همه شما به سوی خداست (مائده/ ۴۸) همچنین می‌فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» و سبقت‌گیرندگان مقدمند آنانند همان مقربان [خدا] هستند (واقعه/ ۱۰-۱۱).

در تربیت انسان رسیدن به کمالات انسانی و مطلوب مستلزم تلاش و انگیزه لازم برای پیشرفت است. هدف والای تربیت اسلامی و ره‌آورد مثبت آزمایش، به تقرب الهی است. منظور از تربیت اسلامی قرب الی الله و کمال انسان است (باقری، ۱۳۹۰؛ مطهری ۱۳۷۲؛ قطب، ۱۳۷۱). بنابراین آزمایش اگر به موقع و به جا بهره‌برداری شود و انسان بتواند از شرایط زندگانی و حیات که همه‌اش آزمایش است بهره بگیرد در وی انگیزه لازم برای سبقت گرفتن در کارهای خداپسندانه و انگیزه پیشرفت به سوی حق ایجاد خواهد شد. در چنین انسانی به محض گرفتاری، صبر و توکل و یاد خدا، متجلی می‌شود. در هنگام نعمت هم شکرگزاری را هرگز فراموش نمی‌کند.

راه دیگر برای اجرای عملی این موضوع هنگامی است که بلاهای طبیعی همچون: سیل، طوفان‌های غول‌آسا، رعد و برق و کم‌آبی رخ می‌دهد یا آفت‌هایی به مزارع و هنگام خشک‌سالی می‌رسد. دعوت از متخصصان تربیت اسلامی برای جلب توجه انسان‌ها به این‌گونه بلاها یا نعمت و وفور و آموزش همگانی در این باره همگی می‌تواند آموزش خوبی برای ایجاد انگیزه و پیشرفت در توجه و تعالی به قرب الی‌الله باشد.

۲. آزمایش وسیله‌ای برای ترفیع درجه

از جمله دیگر آثار تربیتی که می‌توان برای آزمایش استنباط کرد کمک به ترفیع درجه انسان در این عالم و در جهان آخرت است. شاید ترفیع درجه در این عالم برای بنده‌ای که سربلند از امتحان در آمده، کاملاً ملموس نباشد. زیرا این دنیا رابطه و نتیجه عمل انسان، بالقوه و کاملاً ملموس نیست، و در جهان آخرت بالفعل و ملموس خواهد شد: یوم تبلی السرائر؛ روزی که پنهانی‌ها آشکار می‌شود. چه بسا انسان ناسپاس نمی‌داند که به واسطه ناسپاسی‌ای که می‌کند چه تحولات دگرگون سازنده و به ظاهر مایوس‌کننده‌ای در زندگی او ایجاد می‌شود. برای مثال اگر به واسطه اولاد گرفتاری ایجاد شود دقیقاً دلیل این گرفتاری برای وی ملموس نیست. در قرآن کریم در آیه‌های فراوانی برای عمل پسندیده انسان وعده داده شده است، اما کمتر امکان دارد انسان نتیجه عمل بد خود را احساس کند، مگر این‌که به درجات یقینی‌تری رسیده

باشد. در روایات بسیار براین نکته اشاره شده که بسا انسان‌های مومن بعد از چهل سال، به یاد گناه خود می‌افتند و از آن توبه می‌کنند. مگر نه این است که خداوند او را به یاد گناهِش می‌اندازد تا توبه کند. در هر حال ملامت‌های اجتماعی و داشتن جایگاه اجتماعی خوب، نه کاذب، به واسطه مال و منال و ... از زمره همین با خدا بودن‌ها و برای خدا بودن کارهاست؛ البته اگر انسان به هوش باشد و درس عبرت گیرد و نیز اعتقاد راسخ به آخرت، نعمت‌های الهی و نیز قضا و قدر الهی داشته باشد و خود را مسافر این جهان بداند. چنین رفتار آگاهانه در مورد نتیجه اعمال نیکش در وی متجلی است. آنچه هدف تربیتی امتحان است دعوت به مسابقه برای برنده شدن و گرفتن درجه است که جواز قبولی و سربلندی در این دنیا و آخرت است «وَلْتَبْلُوْكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ و البته شما را به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم و صابران را بشارت و مژده بده. (بقره/ ۱۵۵).

شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید: «این خصوصیت مربوط به موجودات زنده بالخاص انسان است که سختی‌ها و گرفتاری‌ها، مقدمه کمال و پیشرفت است. ضربه‌ها، جمادات را نابود می‌سازد و از قدرت آنان می‌کاهد، ولی موجودات زنده را تحریک می‌کند و نیرومند می‌سازد؛ بس زیادت‌ها که اندر نقص‌ها است. مصیبت‌ها و شداید، برای تکامل بشر ضرورت دارد، اگر محنت‌ها و رنج‌ها نباشد، بشر تباہ می‌گردد» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۳۳).

نگاهی به سرگذشت پیامبرانی همچون: حضرت ابراهیم^(ع) و حضرت سلیمان^(ع) بیان‌گر موضوع است. اعطای مقام امامت و پیامبری از جانب خدا به شخصی همچون حضرت ابراهیم^(ع) و قدرت تسلط بر جنیان و برچیدن تخت ملکه بلقیس به حضرت سلیمان^(ع) و تعبیر خواب بر یوسف^(ع)، همگی نمونه‌هایی از این تکامل درجه است. این مقام پس از طی مراحل سخت این آزمون الهی حاصل شده است. جایگاه شهدای جنگ احد و کربلا و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله^(ع) همگی نمونه‌هایی از این ارتقای درجه هستند.

۳. آزمایش و امتحان وسیله‌ای برای تطهیر گناهان

جنبه تربیتی دیگر بلایا و شداید، پاک کردن گناهان و لغزش‌های انسان است. ممکن است انسان دچار لغزش‌هایی شده باشد که پیامدهای تلخی به دنبال آورد. ماندن آن‌ها برای آخرت خیلی سخت است. اگر بتوان در این دنیا تسویه کرد، موقعیت ممتازی است. این کار به وسیله بلاها و سختی‌ها صورت می‌گیرد. (پسندیده، ۱۳۸۶، ص ۲۹۳). امام باقر^(ع) می‌فرماید: وقتی آیه «من يعمل سوءاً یجز به» نازل شد. بعضی اصحاب پیامبر^(ص) گفتند: آیه‌ای از این سخت‌تر نیست. پس پیامبر^(ص) به آنان فرمود: آیا در اموال و جان‌ها و خانواده خود دچار مصیبت نمی‌شوید؟ گفتند: بله. حضرت فرمود: این از آن چیزهایی است که خداوند به وسیله آن، برای شما حسنه می‌نویسد و به وسیله آن بدی‌ها را محو می‌کند (همان). صاحب مجمع‌البیان آورده است «امتحانات و شداید بر شما روی می‌آورند، از طریق نقص و از بین رفتن ثروت، رسیدن مصیبت و نیز سخنان دردآوری که در تکذیب پیامبران از اهل یهود و مشرکان شنیده می‌شود؛ اگر از طاعت و بندگی عبادت کمک بگیرید و جزع و کم صبری که گناه باشد، نکنید، این امتحان رشد و ثواب در پی خواهد داشت (طبرسی ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶۹).

۴. آزمایش، وسیله‌ای برای توبه و بازگشت

آنچه در تربیت مهم است این که مربی عذر ندانسته و ناآگاهانه متربی را بپذیرد و به او روی برگراند. توبه یکی از روش‌های تربیت اسلامی است (باقری، ۱۳۸۸، ص ۹۰). نتیجه تربیتی آزمایش برای برخی انسان‌ها، زمینه توبه و بازگشت به حق به دنبال دارد که نقش اساسی در تربیت انسان دارد. «ابتلائات برای توجه دادن انسان به پرودگار و ایجاد حالت نیایش است، زیرا طبع بشر به لحاظ فطرت الهی به گونه‌ای است که به هنگام مشکلات و محدودیت‌ها شکسته دلی به وی روی می‌آورد و از غفلت دست می‌شوید و برای او حالت التجاء پدیدار می‌شود. پس تقدیر حوادث گوناگون از ناحیه ربوبی در زندگی انسان برای بازگشت به سوی خداست (میر باقری، ۱۳۶۸، ص ۲۵-۲۴).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مِمَّا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ فساد و پریشانی به وسله اعمال بد مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا خدا هم کیفر بعضی اعمالشان را به آن‌ها بچشاند، باشد که (از گناه پشیمان شده و به درگاه خدا) باز گردند (روم / ۴۱).

خداوند در سوره اعراف می‌فرماید: «وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ ما آن‌ها را به خوبی و بدی‌ها آزمودیم تا شاید باز گردند. بنابراین امتحان‌های الهی، هم بیداری و هم وسیله‌ای برای توبه است.

همچنین یادآوری و آموزش توبه و بازگشت به خداوند بعد از وقوع آزمایش‌های سخت، برای افراد مردم جامعه آموزنده و تربیت‌کننده است.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر نخست تحلیل مفهومی از مفاهیمی همچون: ابتلا، امتحان، تمحیص و فتنه که به نوعی با مفهوم آزمایش بستگی داشتند به عمل آمد. سپس برای تحلیل کارکردها و نقش سازنده ابتلا در تربیت انسان به بررسی فلسفه و اهداف آزمایش، اسباب و ابزار آزمایش و ویژگی‌های امتحانات الهی به منظور تبیین جایگاه و اهمیت آن در زندگانی انسان‌ها پرداخته شد. در تحلیل نقش سازنده آزمایش در تربیت انسان، به نقش آن در ایجاد انگیزه و پیشرفت، ترفیع درجه انسان، وسیله‌ای برای تطهیر گناهان و عاملی برای توبه به عنوان نتیجه و آثار سازنده تربیتی امتحان الهی اشاره گردید.

ظرفیت‌های وجودی انسان‌ها در برخورد با امتحان الهی متفاوت است و همه نتیجه تربیتی یکسانی نمی‌گیرند. در جوامع اسلامی، به ویژه، تحقیقات کمتری به طور عملی درباره بیداری و آثار تربیتی بلایا انجام شده است. بنابراین نظر به اهمیت چنین مسئله‌ای و برای تحقق بهتر فواید و آثار تربیتی پیشنهاد می‌شود محققان بعدی درباره تحلیل تجارب زیستی، نتیجه آزمایش در رفتار انسان، به ویژه پس از وقوع سیل و زلزله، طوفان‌های شدید، بیماری و غیره، دست به پژوهشی پدیدارشناسانه بزنند تا نتایج تربیتی چنین آزمایش‌هایی برای انسان‌ها و افراد جوان‌تر بیشتر آشکار گردد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ابن ابی الحدید، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر رجاء.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی تا)، لسان العرب، بیروت: دارالحياء التراث العربی.
- احمدی، (۱۳۶۴)، اصول و روشهای تربیت در اسلام، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ایمان، محمدتقی، (۱۳۹۰)، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۷)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه.
- پسندیده، عباس، (۱۳۸۶)، رضایت از زندگی، چاپ پنجم، تهران: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱) تفسیر تسنیم، دوره چند جلدی، قم: اسراء.
- الحرانی، حسن، (۱۳۷۹)، تحف العقول، ترجمه کمره‌ای، تهران: انتشارات اسلامی
- دشتی، محمد، (۱۳۸۰)، ترجمه نهج البلاغه، قم: انتشارات مشهور.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۵)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا.
- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، (۱۳۶۲)، المفردات فی الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران: انتشارات مرتضوی.
- رهنما، اکبر، (۱۳۸۹)، نقادی رویکرد استنتاج در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، کتابچه‌ی نخستین همایش فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در ایران.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۶۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر همدانی، ج ۴ و ۷، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.
- طبرسی، فضل ابن الحسن، (۱۳۶۷)، مجمع البیان، ترجمه حسن نوری وهمکاران، ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات فراهانی.
- قطب، محمد، (۱۳۷۱)، روش تربیتی اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۸)، اصول کافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کیلانی، ماجد عرسان، (۱۳۸۹)، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه، نقد و اضافات بهروز رفیعی، تهران: انتشارات دانشگاه و حوزه.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۷)، بحارالانوار، جلد ۳-۵، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۴)، منتخب میزان الحکمه، ترجمه محمد رضا شیخی، چاپ سوم، تهران: مؤسسه چاپ و نشر دارالحدیث.

- مصطفوی، حسن، (۱۴۰۴)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۱، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا.
- -----، (۱۳۷۷)، بیست گفتار، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۳۸۳)، الکاشف، ترجمه موسی دانش، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- موسوی نسب، سید جعفر، (۱۳۸۵)، ابتلاء و آزمایش انسان در قرآن، چاپ اول، تهران: ارزشمند.
- میر باقری، سید حسن (۱۳۷۸) سیمای انسان مختار در قرآن، تهران: انتشارات رایزن.